

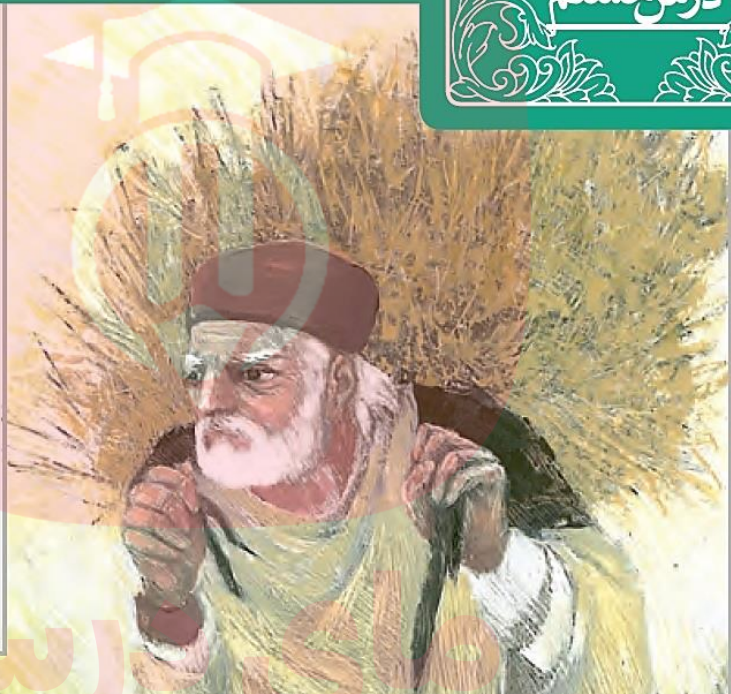
به نام یزدان پاک

## درسنامه درس هشتم فارسی هشتم: آزادگی

### آزادگی



شعر این درس، به شیوه داستانی خوانده می شود. خواندن این گونه متن ها معمولاً با آهنگ نرم و کشش آوایی همراه است. بنابراین لحن خواننده آن باید به گونه ای باشد که میل و رغبت آرزو شنونده را به شنیدن ادامه آن تشویق کنند آرزو - علاقه برانگیزاند و شوقی همراه با انتظار در ذهن و روح پدید آورد.



قالب شعر : مثنوی

گروه آموزشی عصر

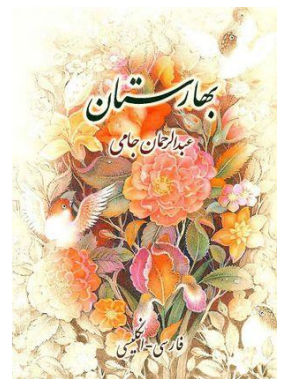
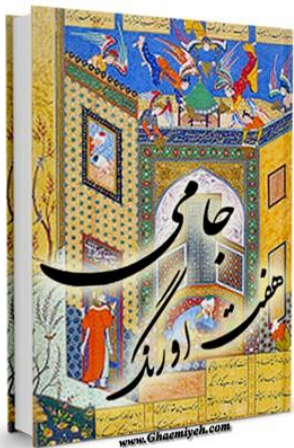
تاریخ ادبیات

www.my-dars.ir نورالدین عبدالرحمن جامی

شاعر و نویسنده معروف ایرانی در قرن نهم هجری است.

وی به مناسبت محل تولدش ((جام)) و نیز به سبب دوستداری شیخ الاسلام احمد جام، جامی تخلص کرد.

آثار : دیوان اشعار\_ هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید خمسه نظامی)، نجات الانس و بهارستان



جمله شماره

۱

خارکش پیری با دلق درشت

پشهای خار همی برد به پشت / ۱

لنگ لنگان قدمی برمی داشت /

هر قدم دانه شگرمی می کاشت / ۲

کای فرازنده این چرخ بلند /

و ای نوازنده دل های نژند / ۲

کنم از جیب نظر تا دامن /

چه عزیزی که نگردی با من / ۲

۵

در دولت به رخم بکشادی /

تاج عزت به سرم بهنادی / ۲

حد من نیست ثنایت گفتن /

گوهر شکر عطایت سفتن / ۲

نوجوانی به جوانی مغرور

رخش پندار همی راند ز دور / ۱

آمد آن شکرگزاریش به کوش /

گفت کای پیر خرف کشته / خموش / ۴

خار بر پشت، زنی زین سان کام /

دولت چیست؟ عزیزیت کدام / ۳

۱۰

عزت از خواری شناخته ای /

عمر در خار کشی باخته ای / ۲

پیر گفتا که چه عزت زین به؟ /

که نی ام بر در تو بالین نه / ۳

کای فلان / چاشت بده / یا شام /

نان و آبی که خورم / و آشام / ۵

شکر گویم / که مرا خوار ساخت /

به خسی چون تو گرفتار ساخت / ۳

داد با این همه افتادگی ام

عز آزادی و آزادگی ام / ۱

## خارکش پیری با دلق درشت || پشای خار همی برد به پشت

**معنی بیت :** خارکش پیری با لباس کهنه، پشته ای خار بر دوش خود گذاشته بود و آن را حمل می کرد

قافیه : درشت، پشت ردیف : ندارد

خارکش : کسی که هیزم و خار برای سوزاندن جمع آوری می کند / دلق : لباس پشمی که فقیران می پوشیدند / درشت : ضخیم /  
دلق درشت : (ترکیب وصفی) / همی برد : می برد (ماضی استمراری)  
آرایه ادبی : تناسب بین خارکش، خار و پشته / آرایه جناس : پشت و پشته

## لنگ لنگان قدمی برمی داشت || هر قدم دانه شکری می کاشت

**معنی بیت :** در حالی که می لنگید و به آرامی راه می رفت، در هر قدم خدا را سپاس می گفت.

قافیه : برمی داشت، می کاشت ردیف : ندارد

لنگ لنگان : قید حالت / لنگ لنگان : در حالی که پای او می لنگید.

آرایه تشبیه (دانه ای شکر) شکرگزاری را به کاشتن دانه تشبیه کرده است. مشبه : شکر مشبه به : دانه / لنگ لنگان، قدم، برمی داشت ----- دانه، می کاشت (شبکه معنایی) / تکرار (واژه آرایه) : قدم / واج آرایه (نغمه حروف) : ن، م

## کای فرازنده این چرخ بلند || و ای نوازنده دل های نژند

**معنی بیت :** ای خدایی که این آسمان را برافراشته ای و ای کسی که آرامش دهنده ی دل های غمگین هستی.

قافیه : بلند، نژند ردیف : ندارد

نژند : اندوهیگن و غمناک / فرازنده : بالا برنده / نوازنده : نوازش کننده / کای : مخفف که ای / وی : و ای

آرایه ها : دل های نژند : ترکیب وصفی / چرخ بلند : استعاره از آسمان / آرایه ترصیع (موازنه) / واج آرایه حرف : ن

ترصیع (موازنه) : آن است که کلمات مصراعی با مصرع دیگر یا جمله ای با جمله ی دیگر، در وزن (هجا یا بخش) و حروف پایانی یکسان باشد (تقابل سجع های متوازی). غیر از واژگان تکراری بقیه کلمات با هم سجع متوازی باشند.

www.my-dars.ir

مثال : ای منور به تو نجوم جلال وی مقرر به تو رسوم کمال

ای = وی / منور = مقرر / نجوم = رسوم / جلال = کمال

در این بیت:

کای = وی / فرازنده = نوازنده / این چرخ = دل های / بلند = نژند



# کنم از جیب نظر تا دامن |||| چه عزیزی که نکردی با من

معنی بیت چهارم : وقتی که از سر تا پای خودم را نگاه می کنم، می بینم که همه نوع بزرگواری و ارجمندی را به من بخشیده ای.

قافیه : دامن، من ردیف : ندارد

فعل : نظر کنم / جیب : گریبان، یقه / متمم : جیب / متمم : دامن / حروف اضافه : من، از، تا

آرایه ها : کنایه (از جیب تا دامن نظر کردن) : کنایه از به احوالات خود نظر کردن است. / جیب و دامن (تناسب) / واج آرایی : ز ک ن

# در دولت به رخم بگشادی |||| تاج عزت به سرم بنهادی

معنی بیت پنجم : در خوش بختی و سعادت را در مقابل چشمان من باز کردی و ارجمندی و بزرگی را مانند تاجی بر سر من نهادی.

قافیه : بگشادی، بنهادی ردیف : ندارد

دولت : سعادت / عزت : سرافرازی، سربلندی / بگشادی : باز کردی / بنهادی : قرار دادی / رخ : چهره

آرایه ها : تاج عزت : اضافه ی تشبیهی (عزت به تاج تشبیه شده. مشبه : عزت مشبه به : تاج) / شبکه معنایی : بین تاج و سر

و بنهادی --- در و بگشادی) / ترصیع (موازنه) : در=تاج ، دولت=عزت ، به=به ، رخم=سرم ، بگشادی = بنهادی

# حد من نیست ثنایت گفتن |||| گوهر شکر عطایت سفتن

معنی بیت ششم : خدایا من کوچک تر از آن هستم که حمد و سپاس تو را بگویم. شکر گزاری تو مانند سوراخ کردن مروارید سخت و

دشوار است که من شایستگی آن را ندارم

قافیه : گفتن، سفتن -- ثنایت ، عطایت (دوقافیه ای یا ذوقافیتین است) ردیف : ندارد

ثنا : ستایش، شکرگزاری / عطا : بخشش / حد : اندازه، مقدار / سفتن : سوراخ کردن /

آرایه ها : جناس اختلافی (گفتن و سفتن) / اضافه تشبیهی (شکر به گوهر تشبیه شده. شکر: مشبه گوهر: مشبه به) / گوهر شکر عطایت

سفتن: با توجه به اینکه سوراخ کردن مروارید کار بسیار سختی است. در این جمله به معنای اینکه شکرگزاری کردن از نعمت های تو به

همان اندازه سخت است / ترصیع (موازنه) : ثنایت= عطایت ، گفتن= سفتن

## نوجوانی به جوانی مغرور || رخس پندار همی راند ز دور

معنی بیت هفتم : نوجوانی که مغرور از جوانی خود بود، از دور در حالی که اسب غرور و خود خواهی خود را می راند به پیر مرد نزدیک شد.

قافیه : مغرور، دور / ردیف : ندارد

رخس : نام اسب رستم است اما در این جا به معنی اسب (رخس مجاز اسب) / همی راند : ماضی استمراری / مغرور : از خود راضی / پندار : گمان، خیال

آرایه ها: تشبیه: (رخس پندار ضافه تشبیهی خودپسندی به اسبی مانند شده مشبهه : پندار مشبهه به : رخس) / واج آرایی : بین حروف (ن) و (ر) / نوجوان ، جوانی ، مغرور ---- رخس ، همی راند ، دور ( شبکه معنایی)

## آمد آن شکرگزارش به گوش || گفت کامی پیر خرف گشته، خموش

معنی بیت هشتم: مناجات و ستایش پیر مرد به درگاه خداوند به گوش جوان رسید و گفت : « ای پیر مرد کم عقل خاموش باش و هیچ نکو.» قافیه : گوش، خموش / ردیف : ندارد

خرف : کم عقل / خموش: ساکت باش / شکر گزاریش : شکر گزاری او (ترکیب اضافی) / پیر خرف : (ترکیب وصفی) آرایه ها: تناسب (شکرگزارش، گوش، خموش) / واج آرایی (گ ش) / کای : مخفف که ای /

## خار بر پشت، زنی زین گان گام || دولتت چیست؟ عزیزیت کدام؟

معنی بیت نهم : ای پیر خاکش! درحالی که با جمع آوری خار روزگار می گذرانی، چگونه از سعادت و خوشبختی و عزیزی دم می زنی؟ قافیه : گام، کدام / ردیف : ندارد

زین سان : مخفف از این سان، بدین نحو، اینگونه (با خواری و بدبختی) / گام : قدم / دولت : خوشبختی / آرایه تناسب \_ بین عزیزی و دولت / واج آرایی ( ز ت )

# عزت از خواری نشاخته‌ای | عمر در خار کشی باخته‌ای

معنی بیت دهم: ای پیرمرد خارکش، تو فرق سرافرازی و پستی را نمی‌دانی و عمر خود را در کام جمع کردن و حمل خار، صرف کرده‌ای

قافیه: نشاخته‌ای، باخته‌ای / ردیف: ندارد

عزت: سرافرازی، سربلندی / خواری: پستی و حقارت

آرایه‌ها: تضاد بین عزت و خواری / جناس بین خار و خوار / خار و خوار: کلمات هم‌آوا هستند. / عمر باختن کنایه از تلف کردن زندگی

پیر گفتا که چه عزت زین به؟ که نی‌ام بر در تو بالین نه  
کامی فلان چاشت بده یا شامم نان و آبی که خورم و آشامم

این دو بیت موقوف المعانی هستند.

معنی بیت های یازدهم و دوازدهم: پیرمرد گفت: «چه عزتی بالاتر از این است که بر در خانه‌ی تو بالش خواب نمی‌گذارم و محتاج کسی مثل تو نیستم و هر صبح و شام از تو در خواست آب و نان برای خوردن و آشامیدن نمی‌کنم»

قافیه بیت یازدهم: به، نه / ردیف: ندارد / قافیه بیت دوازدهم: شامم، آشامم / ردیف ندارد

بالین: بستر، بالش، آن چه در وقت خواب زیر سر می‌نهد / زین: مخفف از این / به: بهتر / نی‌ام: نیستم / کامی: مخفف که ای /

چاشت: صبحانه / فلان: ضمیر مبهم (شخص ناشناس) / خورم: بخورم / آشامم: بیاشامم /

آرایه‌ها: نی‌ام بر در تو بالین نه کنایه: به تو محتاج نیستم. / تناسب: آب و نان، خورم و آشامم، چاشت و شامم / تضاد: چاشت و شام /

جناس اختلافی (به، نه) / جناس افزایشی (شامم، آشامم) //

شکر گویم که مرا خوار ساخت | گروه‌آموزشی عصر  
به خسی چون تو گرفتار ساخت

معنی بیت سیزدهم: پیرمرد به جوان می‌گوید: من خدا را سپاس گزارم که من را به انسان پست و فرومایه ای مثل تو محتاج نکرده است.

قافیه: خوار، گرفتار / ردیف: ساخت، نساخت

مرا: من را (من: مفعول) / خس: شخص پست و فرومایه، ناچیز /

آرایه‌ها: تناسب (مراعات نظیر): خوار و خس / تشبیه: (تو) جوان به خس تشبیه شده است / اواج آرایی (خ ت) / گرفتار کردن کنایه از

محتاج شدن

# داد با این هم افتادگی ام / عز آزادی و آزادگی ام

معنی بیت چهاردهم : خداوند با همه ی تواضع و فروتنی من ، عزت و ارجمندی آزادی و جوانمردی را به من بخشیده است.

قافیه : افتادگی ، آزادگی ، ردیف : ام (به معنای من که اینجا مضاف الیه است)

آزادگی : جوانمردی ، اصالت / آزادی : رهایی / افتادگی: تواضع و فروتنی / عز: سربلندی ، عزت / آرایه ها: جناس افزایشی ( آزادی و آزادگی ) / جناس: ( افتادگی ، آزادی ، آزادگی ) / واج آرای : ( ن د ، م )

خود ارزیابی (صفحه ۶۱ کتاب درسی)

- ۱- از نظر پیر خارکش، عزت و آزادگی چیست؟ قانع بودن و محتاج دیگران نبودن، خوار نشدن در مقابل دیگران
- ۲- با توجه به شعر، شخصیت پیر و جوان را با هم مقایسه کنید. جوان مغرور پر ادعا، پیر فروتن و بی ادعا، جوان زیاده خواه، پیر قانع، جوان ارزش و سعادت را در ثروت و قدرت می دید در حالی که پیر ارزش ها را در قانع بودن و بی نیازی نسبت به دیگران می دید.
- ۳- چگونه می توان به عزت و آزادگی رسید؟ باید ابتدا فکر خود را تغییر داد. زندگی انسان ها در گرو فکر آنهاست یعنی ما آنچنان فکر می کنیم زندگی می کنیم. در شعر، تلاش و کوشش برای زندگی و بی نیازی از دیگران باعث عزت و آزادگی می شود.



مثنوی

دانش ادبی

اکنون با یکی از قالب های شعر فارسی آشنا می شویم. به قافیه های شعر درس آزادگی توجه کنید. با اندکی دقت متوجه می شویم که قافیه های هر بیت با بیت دیگر متفاوت است؛ شکل قافیه در این نوع شعر بدین صورت است.

شکل گرافیکی قالب مثنوی

تعریف و موضوع مثنوی

به این قالب شعری، «مثنوی» یا «دو تایی» می گویند، چون در هر بیت، هر دو مصراع، هم قافیه هستند. مثنوی، معمولاً بلند و طولانی است و بیشتر برای بیان داستان ها از آن بهره می گیرند.

از مهم ترین مثنوی های فارسی می توان «شاهنامه فردوسی»، «بوستان سعدی»، «مثنوی مولوی» و «لیلی و مجنون نظامی» را نام برد.

چند اثر مهم به مثنوی

## گفت‌وگو (صفحه ۶۲ کتاب درسی)

۱- چه پیوندی میان محتوای درس آداب نیکان، با شعر این درس، می توان یافت؟ در این باره گفت وگو کنید.

درس آداب نیکان درباره آداب زندگی کردن است، اما شعر، نوع و نحوه زندگی کردن را برای ما یاد آور می‌شود. هر دو درس ما را ترغیب می‌کند که روی پای خود بایستیم و محتاج دیگران نباشیم و حریمی داشته باشیم که نه از آن خارج شویم و نه اجازه دهیم دیگران وارد آن شوند، هر دو درس ما را به دانش آزادی و آزادی و عزت نفس دعوت می‌کند.

۲- درباره راه‌های حفظ «عزت و آزادی» کشور عزیزمان، ایران، گفت‌وگو کنید.

عزت و آزادی کشور عزیزمان در عدم وابستگی به بیگانگان است. اگر ما بتوانیم در هر کاری (حداقل کارهای مهم) روی پای خودمان بایستیم و به داشته‌های خودمان فکر کنیم و به آنها بها دهیم، به جوان‌ها و متخصصین فرصت انجام کارهای مهم را بدهیم و از کالاهای ساخت داخل استفاده کنیم و نظم و قانون را در کارها رعایت کنیم مطمئناً عزت و آزادی را به کشورمان هدیه داده‌ایم.

## فعالیت‌های نوشتاری (صفحه ۶۲ کتاب درسی)

۱- کلمه‌های تازه شعر را انتخاب کنید و معنی آنها را بنویسید.

۲- تفاوت معنایی واژه مشخص شده را در گذشته و امروز بنویسید.

«خار بر پشت، زنی زین سان گام / دولتت چیست؟ عزیزیت کدام؟» دولت در گذشته به معنی سعادت، نیک بختی و خوش اقبالی بود اما امروزه دولت به معنی مجموعه افرادی که کشور را اداره می‌کنند است.

۳- در سه بیت پایانی شعر، «قافیه» ها را مشخص کنید.

کای فلان چاشت بده یا شامم	نان و آبی که خورم و آشامم
شکر گویم که مرا خوار نساخت	به خسی چون تو گرفتار نساخت
داد با این همه افتادگی‌ام	عز آزادی و آزادی‌ام

۴- با توجه به درس، دلیل آزادی پیرمرد را بنویسید. پیرمرد امیر قافله نفس خود را در دست دارد و به هر سو می‌کشد. دلیل آزادی او عدم توجه به ظاهر و مادیات است. او به آنچه دارد خرسند است و شکر گزار و همین که محتاج هر کس و ناکس نیست خوشحال است. دلیل آزادی او نیز همین است که او به هیچ کس محتاج نیست.

برخی واژه‌ها به دو شکل به کار می‌روند؛ نظیر «خرف، خرفت» یا «خورش، خورشت». هنگام نوشتن املا، لازم است به نحوه تلفظ گوینده این گونه واژه‌ها توجه کافی داشته باشیم.

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)



## روان خوانی : آقا مهدی

### بخش اول؛ تاریخ ادبیات



حبیب یوسف زاده

حبیب یوسف زاده، نویسنده کودک و نوجوان، در سال ۱۳۴۴ در تهران به دنیا آمد. وی لیسانس مترجمی زبان انگلیسی است. او کتاب‌هایی را در حوزه نوجوان و بزرگسال به فارسی ترجمه کرده است. از آثار وی می‌توان به: «زندگینامه شهید باکری»، «زندگینامه شهید صنعتی»، مجموعه داستان «کلاه قربانعلی» و «شب‌های کمین» اشاره کرد.

### بخش دوم؛ تحلیل ساختاری و محتوایی



داستان به سرگذشت یکی از فرماندهان جنگ اختصاص دارد. در این بخش از داستان که در کتاب روایت شده، نگرش این فرمانده شهید در مورد زیباترین روزهای سال، آغاز سال نو و بهاری دیگر، و کودکان بیان شده است.

نویسنده تلاش می‌کند با انواع توصیف‌ها به نوجوان بفهماند که شهدا از جنس من و ما هستند؛ سال نو را دوست داشتند و جشن می‌گرفتند حتی

اگر هفت سینی جز سنگ نداشته باشند. به کودکان میهنشان عشق می‌ورزیدند حتی اگر به بهای برپایی نمایشگاه نقاشی های کودکان آن‌ها در میدان جنگ باشد.

## مای درس

### گروه آموزشی عصر

داستان با زاویه دید سوم شخص مفرد آغاز می‌شود:

باران بند آمده بود...

نویسنده با استفاده از توصیف به بیان دقیق مناظر و حالات روحی شخصیت‌ها می‌پردازد. مانند:

- باران بند آمده بود اما هنوز از ساقه علف‌ها، آب می‌چکید و دشت پر از گودال‌های آب شده بود.
- آقامهدی دو دستش را در میان نامه‌ها برد و در حالی که آن‌ها را بو می‌کرد، جواب داد: «از همه جای همه جا! همه جای ایران سرای من است.»»

داستان به شیوه خاطره‌نویسی نوشته شده است و شخصیت اصلی داستان (شهید مهدی باکری) با نام آقامهدی در داستان ظاهر می‌شود. بقیه شخصیت‌ها بی‌نام هستند و از آن‌ها تنها با عنوان بسیجی یا فرمانده یاد می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی های نثر داستان، استفاده از واژه های خاص جنگی یا وسایل جنگی است. مانند:

- خورشید از پشت کوه ها سرک می کشید و سلاح ها و کلاه های آهنی را برق می انداخت.
- سفره هایی که در آن ها جای سماق و سمنو را سرنیزه و سیمینوف و... پرکرده بود.

لحن داستان، روایی است و بنا به حالات شخصیت های داستان باید به صورت های مختلفی خوانده شود.

### بخش سوم: معنی واژه ها، آرایه ها

سطح لرزان گودال های آب: اشاره دارد به وزیدن باد پس از بارندگی و تصویر چین خوردگی آب گودال ها /

صدها آینه شکسته: تشبیه دارد (سطح لرزان آب به آینه شکسته) /

ابرها...مقابل آینه خودشان را آماده می کردند: تشخیص دارد /

خورشید سرک می کشید: تشخیص دارد /

سلاح، کلاه: مراعات نظیر /

توپ، خمپاره انداز: مراعات نظیر /

مهمات، پوکه ها: مراعات نظیر /

آب را گل نکنیم: تضمین از شعر سهراب دارد، جمله با لحن طنزآمیز خوانده می شود. /

تو ماهی ات را بگیر: کنایه از این که تو کار خودت را بکن /

گردباد کوچکی از راه می رسید: تشخیص دارد /

چادرهای باران خورده را مشت و مال می داد: تکان خوردن شدید چادرها بر اثر وزش باد، تشخیص دارد

### فرصتی برای اندیشیدن

۱ به نظر شما فرماندهانی چون شهید باکری چه ویژگی های اخلاقی داشتند که می توانستند با تمام توان خدمت کنند؟

۲ آیا بین دوستانتان افرادی را می شناسید که ویژگی های اخلاقی شهید باکری را داشته باشند؟